

سبیل علم و فن



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش فقه و حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی فقهی و حقوقی مبانی مشروعیت اقتدار دولت در

تحدید مالکیت های خصوصی اشخاص

استاد راهنما:

دکتر جمشید معصومی

پژوهشگر:

علی تکلو

زمستان ۱۳۹۳

تقدیم به بهترین های زندگی

خانواده عزیزم

پاسکزاری:

باساس از استاد بزرگوار دکتر حمید معصومی که دلسوزانه مرار اهنمایی کردند.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب علی تکلو دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۹۱۰۶۱۰۹۱۶

در رشته فقه و حقوق اسلامی که در تاریخ ۹۳/۱۱/۳۰ از پایان نامه خود تحت عنوان: بررسی

فقهی و حقوقی مبانی مشروعیت اقتدار دولت در تحدید مالکیت های خصوصی اشخاص

با کسب نمره ۱۷/۷۵ و درجه بسیار خوب دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۳/۱۱/۳۰

دانشجوی کارشناسی ارشد علی تکلو از پایان نامه خود دفاع نموده و

با نمره ۱۷/۷۵ بحروف هفده و هفتاد و پنج و با درجه بسیار خوب

مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

بسمه تعالی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۴۰۷۹۲۲۰۲۱
عنوان پایان نامه: بررسی فقهی و حقوقی مبانی مشروعیت اقتدار دولت در تحدید مالکیت های خصوصی اشخاص		
نام و نام خانوادگی دانشجو: علی تکلو	تاریخ شروع پایان نامه: ۹۲/۹/۹	
شماره دانشجویی: ۹۱۰۶۱۰۹۱۶	تاریخ اتمام پایان نامه: ۹۳/۱۱/۳۰	
رشته تحصیلی: فقه و حقوق اسلامی		
استاد /استادان راهنما: دکتر جمشید معصومی		
چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده): در ادبیات سیاسی مشروعیت به معنای پذیرش حق اعمال قدرت از سوی شهروندان تعریف میشود اما از نگاه اسلام مشروعیت نظام سیاسی اینگونه نیست بلکه مشروعیت نظام سیاسی به شرعیت آن گره میخورد فلذا مشروعیت الهی به معنای انطباق نظام سیاسی با آموزه های اسلام و برخورداری توأمان آن با پذیرش مردمی، تاثیر مستقیم و مهمی بر شکل گیری و افزایش اقتدار نظام سیاسی اسلام دارد. مالکیت حقی است برای بشر تا او بتواند بدون دغدغه و با آزادی زندگی خود را بسر برد و شخصیت خود را بسط دهد. اسلام مالکیت را جزء فطرت و غریزه انسان می داند و با آن با واقع بینی برخورد می کند. اسلام در عین حال که مالکیت، خصوصی را محترم می شمارد به اعتدال می اندیشد و برقراری قسط و عدالت را از راههای مختلف توصیه میکند. زمانی که میان نیازهای عمومی و منافع اشخاص تعارض حاصل میشود سلب مالکیت معنا پیدا میکند مفهوم تحدید و سلب مالکیت به سبب منافع عمومی این است که دولت، شهرداریها و همچنین موسسات دولتی که هدفشان رفع نیازهای عمومی است بتوانند اموال غیر منقول نظیر زمین اشخاص را در قبال پرداخت بهای عادلانه به نفع نیازمندیهای عمومی از قبیل توسعه و ایجاد معابر اختصاص دهند. واژه های کلیدی: مشروعیت، اقتدار، دولت، مالکیت، مالکیت خصوصی		

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه مناسب است ☐ تاریخ و امضا:

مناسب نیست ☐

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
	فصل اول: کلیات
۳	الف- طرح تحقیق
۳	۱- بیان مساله
۴	۲- سوالات
۴	۳- فرضیات
۵	۴- اهمیت و ضرورت اجرای طرح
۶	۵- روش تحقیق
۶	۶- پیشینه تحقیق
۷	ب: مفهوم شناسی واژگان کلیدی
۷	۱- مشروعیت
۸	۲- اقتدار
۱۲	۳- دولت
۱۳	۴- مالکیت
۱۵	۵- مالکیت خصوصی
۱۶	ج- جایگاه بحث در فقه و حقوق
	فصل دوم: ماهیت اقتدار دولت و مالکیت خصوصی و روشهای تهدید و سلب مالکیت
۱۸	الف- ماهیت اقتدار دولت
۱۸	۱- پیدایش دولت
۲۱	۲- نظریه های دولت
۲۲	۳- دولت و جهانی شدن
۲۴	۴- دولت و نقش آن در زندگی ما
۲۸	۵- اقتدار و مشروعیت
۳۱	۶- اسلام، مشروعیت، اقتدار
۳۴	۱- دیدگاه اهل سنت

۳۵	۲-۶- دیدگاه شیعه
۳۹	۷- نقش مردم در مشروعیت و اقتدار نظام سیاسی اسلام
۴۲	ب- ماهیت مالکیت خصوصی
۴۶	گفتار اول: انواع مالکیت
۴۶	۱- مالکیت خصوصی
۴۸	۲- مالکیت عمومی
۴۹	۳- مالکیت دولتی
۵۳	۴- مقایسه انواع مالکیت در نظام مالکیتی اسلام
۵۴	۵- آثار ساختار مالکیتی نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه قرآن کریم
۵۵	گفتار دوم: اوصاف مالکیت
۵۵	۱- مطلق بودن
۵۷	۲- انحصاری بودن
۵۷	۳- دائمی بودن
۵۹	۴- قابل تعقیب بودن
۵۹	گفتار سوم: اقسام مالکیت به لحاظ ماهیت موضوع
۵۹	۱- مالکیت مادی
۶۰	۲- مالکیت معنوی
۶۱	۳- مالکیت ذینفعی
۶۱	ج- روش های تحدید و سلب مالکیت
۶۲	روش ها
۶۲	۱- ملی کردن
۶۵	۲- مصادره اموال
۶۹	۳- سلب مالکیت به منظور عمران، شهرسازی و تامین مسکن
۷۱	الف- سلب مالکیت جهت کارهای عمرانی و شهرسازی
۷۴	ب- سلب مالکیت به منظور تأمین مسکن
	فصل سوم: مبانی فقهی و حقوقی تحدید مالکیت های خصوصی توسط دولت
۷۷	۱- قاعده لاضرر و لاضرار
۷۷	تأثیرات قاعده ی لاضرر در قوانین عام

تأثیرات قاعده لاضرر در قوانین خاص	۷۸
۱-قرآن	۷۹
۲- احادیث و روایات	۷۹
۲-قاعده سلطنت	۸۱
مصادیق کاربرد قاعده تسلیط در قوانین عام	۸۴
مصادیق کاربرد قاعده تسلیط در قوانین خاص	۸۴
-تزام قاعده تسلیط با قاعده لاضرر	۸۵
۳- قاعده ولایت	۸۷
۴- قاعده ضمان ید	۸۹
۵- قاعده مصلحت	۹۲
الف- تعریف مصلحت	۹۲
ب- مصلحت در موضوع احکام حکومتی	۹۲
ج- مصلحت در قانون گذاری شیعه	۹۳
۶- نظریه تقدم حقوق خصوصی بر حقوق عمومی	۹۴
۷-نظریه تقدمی حقوق عمومی بر حقوق خصوصی	۹۵
۸- ماده ۴۴ و ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی	۹۶
۹- مفاد ماده ۱۳۲ ق.م	۹۹
۱۰- تحلیل ماده ۳۰ قانون مدنی	۱۰۰
فصل چهارم: نتیجه گیری و پیشنهادات	
فهرست منابع و مآخذ	۱۰۷

چکیده:

در ادبیات سیاسی مشروعیت به معنای پذیرش حق اعمال قدرت از سوی شهروندان تعریف میشود اما از نگاه اسلام مشروعیت نظام سیاسی اینگونه نیست بلکه مشروعیت نظام سیاسی به شرعیت آن گره میخورد فلذا مشروعیت الهی به معنای انطباق نظام سیاسی با آموزه های اسلام و برخورداری توأمان آن با پذیرش مردمی ، تاثیر مستقیم و مهمی بر شکل گیری و افزایش اقتدار نظام سیاسی اسلام دارد.

مالکیت حقی است برای بشر تا او بتواند بدون دغدغه و با آزادی زندگی خود را بسر برد و شخصیت خود را بسط دهد. اسلام مالکیت را جزء فطرت و غریزه انسان می داند و با آن با واقع بینی برخورد می کند . اسلام در عین حال که مالکیت , خصوصی را محترم می شمارد به اعتدال می اندیشد و برقراری قسط و عدالت را از راههای مختلف توصیه میکند. زمانی که میان نیازهای عمومی و منافع اشخاص تعارض حاصل میشود سلب مالکیت معنا پیدا میکند مفهوم تحدید و سلب مالکیت به سبب منافع عمومی این است که دولت ، شهرداریها و همچنین موسسات دولتی که هدفشان رفع نیازهای عمومی است بتوانند اموال غیر منقول نظیر زمین اشخاص را در قبال پرداخت بهای عادلانه به نفع نیازمندیهای عمومی از قبیل توسعه و ایجاد معابر اختصاص دهند.

واژه های کلیدی: مشروعیت ، اقتدار ، دولت ، مالکیت ، مالکیت خصوصی

فصل اول: کلیات

الف - طرح تحقیق:

هدف پژوهش حاضر این است که با بررسی و تحقیق در منابع اصیل مبنا یا مبانی "حق حاکمیت حکومت" در تحدید حقوق اشخاص را بدست آورد چون حکومت جسم و کالبد نظام دولتی و حاکمیت روح و تبلور اعمال حاکمیت است و می دانیم که حکومت ها تغییر میکنند و عوض میشوند اما در هر حال حاکمیت و حق حاکمیت و اقتدار حکومتها ثابت می باشند و چون هر حکومتی مبانی خاص خود را در تشریع و اجبار به رعایت قوانین دارد لذا از مباحث پیچیده و قابل اعتنای حقوق، مطالعه و بررسی مبانی و ملاکهای است که حکومتها تشریع و اقتدار خود را در سایه آنها توجیه نموده و مشروع جلوه می دهد.

۱- بیان مساله:

میدانیم که حق از جمله اعتبارات حقوقی است که از دو رکن دیگر یعنی من له الحق و من علیه الحق متنزع میگردد یعنی هیچ حقی عملاً وجود ندارد جز اینکه شخصی دیگر ملتزم به رعایت آن گردد که با عنایت به پیشرفت اجتماع، پیچیدگی روابط و تغییر در شیوه های زندگی و تقابل حقوق و تعارض در منافع و مصالح، لازم است در مواردی برای حق و حقوق اشخاص حد و مرزی را تعیین نموده و حق حاکمیت خود را در این مقوله جهت تامین نظم و مصالح اجتماعی بکار گیرد و همان منافع و مصالح گاهی از قواعد مسلمی چون قاعده تسلیط، قاعده ید، قاعده حرمت مال مومن، قاعده حرمت اکل مال غیر به ناحق و اوفوا بالعقود و سایر قواعدی که حقوق اشخاص را محترم می شمارد، تخطی نماید و حق اشخاص را تحدید یا تضییع نماید لذا پژوهش حاضر جهت بررسی و توجیه و جمع دو حق یعنی حق حکومت در اعمال اقتدار و تحدید حقوق افراد و حق اشخاص در بهره مندی از حقوق مسلمی چون حق مالکیت اشخاص و بر ما یملک خود به پژوهش می پردازد.

۲- سوالات :

- ۱- ماهیت مالکیت خصوصی افراد و ماهیت اقتدار دولت چیست؟
- ۲- مبانی حق حاکمیت دولت در تحدید مالکیت‌های خصوصی اشخاص کدام است؟
- ۳- تضاد میان حق حاکمیت دولت و حق مالکیت اشخاص چگونه قابل حل است؟

۳- فرضیات:

۱- مالکیت خصوصی از جمله حقوق فطری افراد بشر به حساب می آید که قانونگذار نمیتواند آن را سلب کند. مالکیت خصوصی مالکیتی است که در آن اشیاء و اموال به شخص یا اشخاص معین تعلق می گیرد این مالکیت در قرآن مجید مورد تاکید قرار گرفته است که افراد میتوانند از طریق تجارت و مبادله در آن دخل و تصرف کنند. قبول مالکیت خصوصی برای افراد بشر ریشه فطری دارد و هر کس اصولاً مایل است حاصل دسترنج خویش را به خود اختصاص دهد از طرف دیگر مالکیت خصوصی انگیزه ای برای تحرک بیشتر انسان و بروز و ظهور خلاقیت هاست. چنانچه افراد محصول تلاش خود را در تصرف خود نبینند رغبتی برای کوشش مجدانه از خود نشان نمی دهند و در این صورت راهها بر روی تکامل انسانها بسته خواهد شد.

۲- رسالت در برقراری عدالت اجتماعی و حفظ نظم مجوز دخالت دولت در تحدید مالکیت خصوصی را می دهد و با استفاده از اصول و قواعد حقوقی مانند قاعده لاضرر و لاضرار ، قاعده تسلیط ، قاعده ولایت ، قاعده مصلحت ، قاعده ضمان ید ، قاعده ولایت ، این امر محقق می شود .

۳- اصل بر احترام به مالکیت اشخاص است ، دولت تا حدودی حق مداخله دارد که برای برقراری نظم عمومی چاره ای جزء تحدید مالکیت اشخاص وجود نداشته باشد.

۴- اهمیت و ضرورت اجرای طرح :

اعمال حاکمیت و تحدید حقوق اشخاص از جمله موضوعاتی است که سابقه ای به درازای تشکیل اولین دولتها دارد زیرا که حکومت بدون حاکمیت معنی ندارد و حاکمیت جز در تضییع و تحدید حقوق اشخاص عینیت نمی یابد لذا جدال همیشگی حکومتها با افرادی که به دنبال حقوق تضییع شده خود بوده اند و یا به دنبال کسب حقوق بیشتری بوده اند پیش آمده و ادامه دارد. در طول تاریخ حکومتها ناچار جهت کاستن از هجمه اداره جمعی اشخاصی که حقوق آنها تضییع شده است و اطلاعات و اقناع بهتر رعیت سعی در کاستن از ظلم و تعدی بر ملت نموده و گاه حتی از بکارگیری پاره ای از اعمال حکومتی نیز سر باز زده اند لذا در کشاکش این ظلم ها و نارضایتی ها و تحریکات مباحث عقلانی و فلسفی و الهی جهت اقناع ملتها و مشروعیت بخشیدن به اعمال مردمی (دموکراسی) و نظریه الهی - مردمی تقسیم شده و هر یک با داشتن مبانی خاص خود در اقناع مردم و اعمال اقتدار و حاکمیت خود به اداره جوامع دست زده اند لذا شناخت مبانی و قواعدی که منشا اعطاء حقوق و کثیری به حاکمیت جهت تشریع و تحدید حقوق فردی - اجتماعی - اقتصادی - سیاسی - قوی و غیره می باشد و اجبار ملتها به رعایت آنها میگردد و در جای خود اجتناب ناپذیر و فوق العاده مهم می باشد زیرا کیفیت همان مبانی نشان دهنده اختلاف نوع حکومتها و جهانبینی و نوع برخورد آن با ملت و جهان می باشد و پیوسته جهت رویارویی با مسائل جدید و مستحدثه ملی و بین المللی خود دست به دامن مبانی جدید عقلی یا تفسیر نصوص قدیم یا فهم جدید از قواعد مسلم زنگار گرفته خود می برند مثلاً حضرت امام خمینی (ره) با عنایت به دنیای امروز و مبانی اصولی و اجتهادی خود قاعده ((قاعده لاضرر و لاضرار)) را به عنوان یک قاعده سلطانی و حکومتی معرفی می نماید این در حالی است که سایر فقها این قاعده را در حد یک فرع فقهی نگریسته و فراتر نرفته اند بنابراین حکومتها با دست به دامن شدن مبانی و قواعد عقلی، فلسفی، الهی و غیره با شدت هر چه تمام تر در اعمال اقتدار خود کمر همت بسته اند لذا ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق مبرهن بوده و می بایست که بسیاری از پژوهشهای دانشگاهی و حوزوی امروز به این مقوله سوق داده شود زیرا از

جمله مباحث حقوقی و سیاسی جدید بوده و در سایه این پژوهشها و مطالعات چهره نظام های مشروع از نامشروع باز شناخته شده و حقوق حقه دولتها و ملتها تثبیت و محفوظ خواهد ماند.

۵- روش تحقیق:

الف- روش تحقیق کتابخانه ای است در تحقیق حاضر تلاش شده با استفاده از کتابها و مقالات حقوق خصوصی و منابع فقه اسلامی در باب مالکیت ، اطلاعات لازم استخراج شود.

ب- روش یاد آوری اطلاعات کتابخانه ای است.

ج- ابزار گردآوری اطلاعات با مراجعه به منابع حقوق خصوصی و فقه اسلامی و به شیوه فیش برداری است.

د- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: از روشهای کیفی و آمار توصیفی استفاده میشود.

۶- پیشینه تحقیق:

به علت جدید بودن مباحث حقوق اساسی و عدم تداخل مباحث بنادین حکومت و ملزومات آن در حقوق و علوم سیاسی و نبود مطالعات عمیق میان رشته ای در این خصوص و گستردگی عرصه مطالعات حقوقی و نبود پژوهشگر توانا در این عرصه ، مباحث و موضوعات حقوق سیاسی کمرنگ بوده و خصوصاً مبانی ملزومه و قواعد حکومتی به علل مختلف و من الجمله علل سیاسی چندان بطور مستقل مورد کنکاش جدی قرار نگرفته است و اعظم مطالعات و تحقیقات اکادمیک در این مقوله جدید و در کتب مفصل و مطول گنجانده شده است مثلاً حضرت امام خمینی (ره) به عنوان معمار حکومت نوین اسلامی در خلال کتاب بیع به مباحثی از ولایت فقیه و حکوکت پرداخته است و اینها خود بیانگر تشتت موضوع در این مقوله می باشد لذا به علت همین کمی ادبیات حقوقی موضوع و قلت تحقیقات در این مقوله جمع آوری مطالب و پژوهش در این مقوله دشوار بوده و ناگزیر باید با بهره گیری از اطلاعات و اصلاحات حقوقی مدون موجود در کتب ، مقالات علمی پژوهشی، پایان نامه ها وغیره، مضمونهای بدیع و قابل تامل را در عرصه ادبیات حقوقی بوجود آورد که قابل ارائه باشد.

ب: مفهوم شناسی واژگان کلیدی

۱- مشروعیت:

۱- مشروعیت عبارت است از توجیه عقلانی اعمال سلطه و اطاعت. اگر اطاعت، غیر عقلانی باشد مستند به سنت جاری (Tradition) یا محبوبیت حاکم (فره ایزدی یا Charisma خواهد بود. (لاریجانی، ۱۳۷۲، ۵۱)

۲- مشروعیت یعنی توجیه عقلی "اعمال قدرت حاکم" و اینکه حاکم برای اعمال قدرت خود چه مجوزی دارد و مردم چه توجیه عقلی برای اطاعت از حاکم ارایه می کنند. مشروعیت، متضمن توانایی نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این اعتقادات است که نهادهای سیاسی موجود، مناسب ترین نهادها برای جامعه هستند. مشروعیت ارتباط نزدیکی با مفهوم تعهد و التزام به فرمانبرداری دارد. (بشریه، ۱۳۷۲، ۶۸-۶۷)

۳- مشروعیت به معنی قانونی بودن یا طبق قانون بودن است. در گذشته در اروپای سده های میانه هم به همین معنی به کار می رفت. سیسرو (Cicero) این واژه را برای بیان قانون بودن قدرت به کار برد. بعدها واژه مشروعیت در اشاره به روشهای سنتی، اصول قانون اساسی و انطباق با سنتها به کار رفته است. بعد از آن هم مرحله ای فرا رسید که در آن عنصر رضایت به معنی آن افزوده شد و رضایت پایه و اساس فرمانروایی مشروع دانسته شد. (عالم، ۱۳۶۴، ۱۰۵)

۱- وقتی حکومت مشروعیت دارد که مردم تحت فرمان، اعتقاد راستین داشته باشند بر اینکه ساختار، عملکردها، اقدامات، تصمیمات، سیاستها، مقامات، رهبران یا حکومت از شایستگی، درستکاری یا خیر اخلاقی از حق صدور قواعد الزام آور برخوردار باشند. (ظفریان، ۱۳۶۴، ۷۰)

۲- ژان بیندال مشروعیت را چنین تعریف می کند که مردم به طور طبیعی و بدون تردید سازمانی را که به آن تعلق دارند، می پذیرند. (عالم، ۱۳۶۴، ۱۰۶)

۳- مشروعیت همان اصلی است که دلالت می کند بر پذیرش همگانی دست یافتن شخص یا گروه معینی به مقامی سیاسی، به طور کل از راه اعمال قدرت یا در برخی موارد ویژه بر این اساس که

اعمال قدرت برای دستیابی به آن مقام با برخی و رویه های عمومی اجرای اقتدار هماهنگ است.

(رابرت)

نظریه مختار: مشروعیت (Legitimacy) که از صفت (Legitimate) اشتقاق یافته در لغت به معنای قانونی ترجمه شده است. این اصطلاح از قدیم الایام در فلسفه و کلام سیاسی مورد توجه قرار گرفته و از قرن نوزدهم در جامعه شناسی سیاسی که یکی از شاخه های علوم سیاسی می باشد. مطرح گردید. فلسفه ، کلام و یا فقه سیاسی به مسایل هنجاری و باید و نبایدهای حقوقی و ارزشی در حوزه سیاست می پردازند. بر این اساس، مشروعیتی که در این شاخه های علوم سیاسی مورد بحث قرار می گیرد ، مشروعیت هنجاری نام دارد و جامعه شناسی سیاسی، تلاش فکری در جهت توضیح و تبیین پدیده ها و رفتارها و ساختهای سیاسی به وسیله عوامل اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی است . موضوع این رشته سیاسی ، روابط دولت و جامعه و تاثیرات جامعه بر روی دولت است . این علم به بررسی محیط اجتماعی - سیاسی می پردازد. (بشیریه ۱۳۷۲، ۱۹-۱۷)

۲- اقتدار:

واژه اقتدار در زبان فارسی به قدرت « قدرت یافتن ، قدرت داشتن ، توانا شدن و توانایی» معنا می شود. در لغت نامه دهخدا گردون اقتدار به « فلک منزلت و صاحت قدرت ، کسی که قدرت وی مانند آسمان است » تعبیر شده است . (دهخدا ۱۳۷۶، ۷۶)

در زبان عربی اقتدار از ماده قدر مشتق و معنای آن « القوه» بیان می شود . (این منظور ۱۳۶۹، ۳۹۹) القوه به فارسی نیرو و توانایی ترجمه شده است . (طباطبایی ۱۳۶۶، ۴۶)

معادل واژه اقتدار در زبان انگلیسی کلمه آتوریت است این اصلاح در دیکشنری آکسفورد « حق یا قدرت فرمان دادن و به تکمیل در آوردن دیگران » معنا شده است برای این اصطلاح معانی دیگری همچون قدرت ، اختیار ، صلاحیت ، حق ، صاحب اختیار، دارای حق، مرجع، مرجعیت ، مسئولان امور ، منبع موثق ، سلطه قدرت مشروع ، آمریت ، وثاقت، و حجیت نیز ذکر می شود. (نوروزی ، ۵۵،

۱۳۷۲ و بریجانیان، ۱۳۷۵، ۸۰)

آنتونی کوئینتن در کتاب فلسفه سیاسی درباره واژه اقتدار می نویسد:

مفهوم اقتدار، در زبان انگلیسی آشکارا از مفاهیم کهن لاتینی اشتقاق یافته است. به عبارت لوئیس و شورت، صاحب اقتدار در زبان لاتین کسی است که چیری را به وجود می آورد، یا قطع نظر از آن که خود او در ابتدا آن چیز را به وجود آورده باشد یا دیگری بر رشد و رونق آن می افزاید. (کوئینتن، ۱۳۷۱، ۲)

همچنین ریچارد سنت نویسنده کتاب "اقتدار" در ریشه یابی این واژه می نویسد:

واژه اقتدار از یک واژه لاتینی گرفته شده که خود آن به معنای مولف است پس در فکرت اقتدار نوعی فکرت تولید مستتر است. (سنت، ۱۳۷۸، ۲۵)

درباره معنای اقتدار گفته می شود اقتدار امروز به معنای برخورداری از میزانی از قدرت رسمی و فرمانبرداری دیگران و احراز برخی وظایف خاص در محدوده مقررات خاص است کسی که صاحب اقتدار است حق حکمرانی دارد. این معنی از صرف اعمال قدرت یا زور متمایز است به یک معنی اقتدار کاربرد مشروع زور است. (وینسنت، ۱۳۷۶، ۶۷)

اقتدار قدرت مبتنی بر رضایت نیز معنی شده است رابرت دال در توضیح اقتدار گفته است نفوذ راهبران سیاسی زمانی بر حق دانسته می شود که مبتنی بر اقتدار باشد به عقیده او «اقتدار نوع ویژه ای از نفوذ است... و نه تنها مطمئن تر و پردوامتر از اجبار می باشد بلکه عاملی است که به رهبر کمک می کند تا بتواند باکمترین استفاده از منابع سیاسی براحتی حکومت کند. حکومت کردن به کمک اقتدار به مراتب با صرفه تر از حکومت کردن بوسیله اجبار است. (رابرت، ۱۳۶۴، ۷۰)

دژونل نیز در تبیین معنای اقتدار آنرا علت کافی اجتماع داوطلبانه می داند بگونه ای که در همه جوانب و همه سطوح زندگی اجتماعی پیوسته میتوان نمودهایی از نقش اصلی و اولیه اقتدار را دید مثل وقتی که فردی دیگران را رهبری می کند و یا آن کسی که به لحاظ تفوق و رسوخ اراده اش می تواند اراده های مردم و دیگران را فراهم آورد و جهت دهد معنایی که دژونل از اقتدار مراد می کند «همانا توانایی ای است که کسی برای قبولاندن پیشنهادهایش به دیگران دارد.» (کوئینتن، همان، ۱۶۶،

نکته دیگری که در معناشناسی اصطلاح اقتدار مورد توجه واقع شده این است که « اقتدار همواره با نوعی ارج و شکوه و بطور دقیق تر با یک اعتماد و اتکال شخصی یا جمعی به کسی که اقتدار به او نسبت داده شده همراه است. (شجاعی زند ، ۱۳۷۶، ۵۵)

برخی برای شناخت دقیقتر معنای اقتدار آن را در مقایسه با «قدرت عریان» قرار داده اند در مقابل از نگاه صاحب نظرانی چون کاکستون اقتدار آن است که «احساس بیم انگیزد» (سنت، همان ، ۲۴) صاحب نظران مهمی همچون راسل میان قدرت عریان و قدرت مبتنی بر رضایت تفاوت اساسی قائل می شوند و از این طریق به درک دقیقتر مفهوم اقتدار کمک می کنند . وبر از جمله این دسته از متفکران است که می گوید: «روابط بین فرمانروا و فرمانبردار از دو صورت خارج نیست ؛ یا مبتنی بر «اجبار مطلق» است که خاص دوران بردگی است ؛ و یا صورتی طبیعی و حقیقی دارد که مستلزم وجود حداقلی از پذیرش و مقبولیت است و همین نوع دوم «قدرت» و یا به تعبیر و بر قدرت طبیعی و حقیقی است که به مفهوم اقتدار نزدیک می شود.» (شجاعی زند ، همان ، ۵۶)

با توجه به معنای مختلفی که از اصطلاح اقتدار برداشت می شود برای آن اصطلاح تعارف مختلفی نیز ارائه شده است. پیتز میلر ، در کتاب سوژه استیلا و قدرت به نقل از هورکهایمر درباره تعریف اقتدار می نویسد:

به اعتقاد هورکهایمر ، اقتدار «مقوله ای اساسی برای تاریخ» است . از رهگذر اقتدار است که در شور و شوق و هوس های انسان و قابلیت های سرشت نمایش ممهور به روابط قدرت می شود و فرآیندهای زندگی اجتماعی و در هر دوره ای تحت همین روابط قدرت جریان می یابد.» (میلر، ۴۸، ۱۳۸۲)

هربرت سیمون نیز در تعریف اقتدار می نویسد: «اقتدار اختیار تصمیم گیری برای هدایت اقدامات دیگران است اقتدار رابطه میان دو نفر است یکی فرادست و دیگری فرودست» (عالم، همان ، ۱۰۱) حسین بشریه هم در این باره می نویسد: اقتدار قدرت مشروع قانونی و مقبولی است که می باید در شرایط مقتضی مورد اطاعت و فرمانبرداری قرار گیرد در اقتدار توجیه و استدلالی نهفته است که آن را از شکل قدرت عریان خارج می سازد و برای موضوع قدرت پذیرفتنی می کند . از این رو گفته